

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یادداشت :

با تشکر از خواننده عزیز ما آقای "کوروش بلخی" که زحمت کشیده و لینکی را که در ذیل این یادداشت خدمت تان تقدیم می گردد، برای ما ارسال داشته اند و به امید آنکه همیشه از همکاری های شان بهره مند گردیم، در ارتباط با لینک مورد نظر از دید پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" نکاتی قابل مکت اند که می باید بدانها پرداخته وجوه مثبت و منفی آنرا از هم جدا ساخت.

۱- هر سه کاندید مقام نخست وزیری در بریتانیا نه یک بار بلکه بار بار بر این مسأله تأکید می ورزند که به خاطر "امنیت بریتانیا" ناگزیر بودند تا به افغانستان لشکر کشی نموده و اکنون نیز همان عامل آنها را وادار می سازد تا به اشغال افغانستان دوام بدهند.

این مطلب در ظاهر ساده و بیسپط در بطن خود نکات آتی را حمل می نماید:

- خلاف ادعا های اولی اشغالگران و مزدوران گوش به فرمان آنها اعم از منادیان اسلام سیاسی، مدال گیران چپ و هم تران شان و مشتی مزدور خود فروخته که در طول تاریخ چیزی بیشتر از "سگ هرسوار" نبوده و نخواهند بود؛ لشکر کشی بر افغانستان و جاری ساختن دریا های خون در آنجا، نه به خاطر تأمین رفاه و آسایش، اعاده حقوق بشر و آزادی انانث در آنجا، بلکه به صورت خاص برای حفظ منافع خودی کشور های امپریالیستی صورت گرفته که امروز زیر عنوان "کلمات لاستیکی" حفظ امنیت و امثال آن خود را پنهان می نماید. طرح مسأله با چنین صراحتی حد اقل، می تواند آنعده از افرادی را که هنوز هم در خیال از اشغالگران و بلوک های امپریالیستی از روی بلاهت انتظار بهروزی مردم ما را دارند، از خواب "خرگوشی" آنها بیدار نموده، مجدداً به طرف مردم برگردانده، در غیر آن با گرفتن بهانه ها حکم تاریخ را در مورد شان به مثابه قدامه لشکر استعمار صادر نماید.

- نفس پافشاری بر ضرورت دوام اشغال و آنرا به مثابه یک نکته اساسی در سیاست های دولت آینده برانزنده ساختن، نمایانگر آن است که نه تنها امروز سیاست اشغالگرانه دولت های امپریالیستی از طرف مردم خود آن کشور ها زیر سؤال قرار گرفته که در نتیجه سیاستمداران ناگزیر اند برای به کرسی نشاندن آن گلو پاره نمایند، بلکه این نوید را نیز می دهد که در دراز مدت مردمان سرزمین هائیکه دولت های شان در اشغال افغانستان و قتل های عام در آنجا دامن تر کرده اند، به مرور زمان سیاست های دولت ها را به نبرد فراخوانده و بیش از این حاضر نخواهند بود تا در کشتار مردم بی دفاع و بیگناه افغانستان که فقط به جرم عشق به آزادی به مرگ فرستاده می شوند، وجدان و تاریخ خویش را لکه دار و پامال نمایند.

- روند اوضاع نشان می دهد که اگر امروز هر سه کاندید می خواهد طرف مقابل را در انسان کشی ناتوان به اثبات برساند و خود مدعی آن است که در تطبیق قتل عام بهتر و خبره تر عمل خواهد نمود، آنروز دیر نخواهد بود که ختم

جنگ و خروج اشغالگران از افغانستان به مثابه هدف اساسی در رقابت های انتخاباتی خود را بر تمام جناح ها تحمیل نماید- به خاطر رسیدن با این دوران نباید عوامل متعدد را در کندی و یا تیزی آن پروسه نا دیده انگاشت-

۲- تشکیل یک گروپ کوچک در داخل پارلمان بریتانیا در تقابل با سیاست دوام اشغال هرچند می تواند نوید بخش باشد مگر نباید یک نکته را نادیده گرفت که در کشور های امپریالیستی بار ها اتفاق افتاده که به خاطر مهار نمودن یک روندی که احتمال وقوع آن در آینده حتمیست و یا به همان تعریف قدما می تواند "محقق الوقوع" به شمار آید، امپریالیزم از قبل نهاد هائی را سازماندهی نموده تا در وقت لازم به مثابه بازدارنده حرکت پا به میدان گذارده حرکت اصلی را به انحراف بکشاند و یا هم اتفاق افتاده که به منظور بدنام ساختن یک روند مثبت و پرجاذبه، بدنام ترین افرادش را به حمایت از آن روند تحریک نموده تا صرف حضور همچو افراد در حمایت از آن روند، قوه فرار از آنرا تشدید نماید.

برماست (افغانهائی که نسبت به آزادی وطن خود را متعهد احساس می نمایند) تا در همچو مواقع با حفظ هوشیاری و اجتناب از خوش باوری های خرده بوژوامایانه که گاهی خود را به شکل "فیلسوف نمائی ها" نشان می دهد، ضمن تقویت آن روند، آمادگی آنرا نیز در خود پرورش دهند تا به مرور زمان بتوانند خارجی ها را خود به دنبال خویش بکشانند نه اینکه به مانند "بزأخفش" با هر ناروائی کله جنبانده ذلت خود و ملت را سبب گردند.

۳- نمایاندن یک احصائیه مبنی بر آنکه در جریان سه سال به هواداران ادامه اشغال و خونریزی در افغانستان افزایش به عمل آمده، هرگاه به منظور مصرف داخلی تحریف ویا جعل نشده باشد نمایانگر آن است که ما فرزندان میهن دربند، یعنی آنهائیکه آگاهانه تقابل و رویارویی را با امپریالیزم و ارتجاع برگزیده اند همانطوریکه در داخل هنوز قادر نشده ایم هویت مقاومت به حق و آزادیخواهانه مردم خویش را از زیر سایه شوم نوکران استعمار و ارتجاع بیرون نمائیم و تلاش های ما در این راه در حد راهنمائی محدود مانده و نتوانسته در عمل به تفکیک صف مردم و نیروهای آزادیخواه از نیروهای تاریخزده و فوق ارتجاعی طالب و سایر جیره خوران اجنبی که آبشخور خوبی برای انواع مختلف فاشیزم از مذهبی گرفته تا نژادی گردیده، موفق باشد؛ در عرصه بین المللی نیز نتوانسته ایم آنطوریکه نیاز زمان ایجاب می نماید، وظایف خویش را به انجام برسانیم.

برماست که برای تغییر این معادله، بر مجموع عملکرد خود باز نگری نموده، ضمن تشخیص و دور انداختن نقاط ضعف، نقاط مثبت را در کارنامه گذشته خویش متبازر نموده باشدت هرچه بیشتر جهت تحقق آن همت به خرج دهیم. نباید به این دلخوش باشیم که ما مطابق به توان خود حاضر به حساب دهی هستیم، چه مطابق به توان حساب دادن کاریست که هر فرد عادیی در شرایط عادی انجام می دهد، از آنجائیکه امروز شرایط در کشور ما عادی نبوده بلکه در زیر دست و پای بیش از ۴۰ کشور اشغالگر نبرد مرگ و زندگی در آن جریان دارد، ما نیز مکلفیم بالاتر از توان عادی چه که حتا بالاتر از توان افسانه ئی به خاطر نجات میهن تلاش بورزیم تا آن معادله را از بنیاد تغییر داده "خروج عساکر اشغالگر از افغانستان" را بخشی از وجدان جامعه جهانی بگردانیم.

۴- تأسف آورترین و تکان دهنده ترین بخش آن برنامه، مصاحبه ایست که با شخص معلوم الحالی به نام "نور الحق نسیمی" انجام یافته است. با آنکه موضع گیری های تفرقه افکنانه و ملت ستیزانه این دریوزه گر ارتجاع و امپریالیزم نو نیست و در طول سالهای متوالی از همان طریق به ضربت زدن به وحدت اقوام و ملیت های ساکن در افغانستان، تانک های "چفتن" انگلیس را مواد سوخت داده است، مگر اینکه با چنان صراحتی به دوام اشغال نظر دهد و بقای مردم و کشور را به حضور متداوم استعمار منوط و وابسته سازد، حد اقل با چنان عریانی نمی توانست تصور شود.

خوشبختانه و یا بدبختانه زنده بودیم و دیدیم که وقتی انسانی از لحاظ سیاسی سقوط می نماید، آن سقوط چگونه سرعت و تصاعد هندسی یافته، و از زیر سؤال بردن نام کشور به چه سرعتی تا به دشمنی با حریت و آزادی آن دیار روانه حضيض ذلت می گردد.

به وضاحت می توان ابراز داشت، این چنین افراد اگر عامل استخباراتی و جاسوس دشمنان میهن ما نباشند، در بهترین صورت عناصر بی ایمان و ضعیفی اند که در عوض اتکاء به نیروی خود به منظور تغییر و مبارزه علیه یک پدیده زشت، حل آنرا از بیگانگان طلب می نمایند.

۵- موجودیت افرادی مانند "نورالحق نسیمی" که با تأسف تا هنوز به نام یک فرد از افراد افغانستان یاد می شوند، و می توانند زیر نام یک افغان- وقتی چنین سقوطی را می بینیم، جا دارد خوشحال بود که حد اقل همچو افراد خود را افغان نمی دانند. چه درد انگیز می بود اگر خابینی از آن قماش هم ادعای افغان بودن می کردند- برای مطبوعات مزدور پرور غرب اینجا و آنجا افاده بفروشد، و خیل عظیمی از گمراهان مدال طلب، یک بار دیگر به اثبات می رساند که مبارزه علیه امپریالیزم از مبارزه علیه اپورتونیزم و ارتجاع انفکاک ناپذیر بوده و به هیچ صورت نمی توان به آن کم بها داد.

با در نظر داشت این حوادث ما را اعتقاد بر آن است که در ادعای مبارزه علیه امپریالیزم، پیشقدمی و استواری در مبارزه علیه ارتجاع و اپورتونیزم می تواند همان محکی باشد که صحیح را از سقیم و خیل کلاشان دریوزه گر امپریالیزم را از فرزندان صدیق میهن متمایز می سازد

اداره پورتال AA-AA

اینهم لینک ارسالی آقای "کوروش بلخی"

http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2010/05/100501_113_british_election_afghan_war_vid.shtml

خواننده عزیز:

همیشه امکان آن وجود دارد تا این لینک باز نشود، در چنان صورتی لطف نموده محتوای آنرا در محل آدرس انترنت داخل نموده، پروگرام مورد نظر را تماشا نمائید.

شاد و موفق باشید

اداره پورتال AA-AA